

سکوت در مقابل عاملین جنایت

دهه 60، خیانت به خون سرخ

انقلابیون زنده یاد است!

در شرایطی که مردم در ایران از هر فرصتی برای مقابله با رژیم اسلامی سرمایه استفاده میکنند، اعتراضات و اعتصابات کارگری هر روزه علیه اجحافات سرمایه داران و صاحبان سرمایه در جریان است و درگیریهای شهرها سازمانیافته تر و گسترده تر میشود، در شرایطی که هر آخوند ریز و درشتی، یکی پس از دیگری بوی سرنگونی را استنشاق کرده است و شروع به اعتراف کردن که باعث و بانی کشتارهای دسته جمعی دهه شصت بودند و دیگر کسی این جنایت تاریخی را حتی در خود دستگاه حاشا نمیکند، راهپیمائی نمایشی بی خطری برای خودنمائی بازنشستگان مبارز و سیاسی دیروزی با سکوت در استکهلم برگزار میشود.

برای گرامیداشت زندانیان دهه شصت و دفاع از مادران خاوران که جسورانه و پیگیرانه علیه رژیم قاتل اسلامی مبارزه میکنند، کانون زندانیان سیاسی در استکهلم راه پیمائی با همکاری دیگر جریانات با سکوت بدون شعار و افشاگری از رژیم که کشتار دسته جمعی مبارزان انقلابی، کمونیست و سوسیالیست را انجام داده است را سازمان میدهند، و حتی به کسانی که شعار و خواهان سرنگونی رژیم که 40 سال جز فقر، بیکاری، بی خانمانی، اعتیاد، فحشا، دزدی، اختلاس، زندان و شکنجه، اعدام و سرکوب چیز دیگری را در چنته نداشته است، حمله ور شده و آنها را ساکت میکنند.

از کانون زندانیان سیاسی در استکهلم بیش از این انتظاری نیست، این کانون سالهاست بی خطری خود را نمایان کرده است، و سالی یکبار سر از لانه در میآورد، شب یادبودی میگذارد و نه بیشتر. امسال با کمک چندی از احزاب و سازمانهای مختلف راه پیمائی آنچنانی را سازمان میدهد، تا به امروز بخشی از همان احزاب و سازمانها شروع به نقد کردن این حرکت فاجعه آمیز که به نام زندانیان سیاسی و خانواده های آنها سازمان داده

شده است پرداخته اند و خبر از بی اطلاعی و نقد سکوت علیه عاملین جنایت کار پرداخته اند.

خوشبختانه ادعای تو خالی اینچنین کانونهایی یکی بعد از دیگری برای عموم افشا شده و ضرورت ایجاد تشکلات مستقل و واقعی هر روز جدی تر میشود. این جریانات چهره واقعی خود را به واضح نمایان کردند، که جز طبل تو خالی چیزی بیش نیستند و آنها را باید از روی اعمالشان شناخت نه ادعاهای تو خالی که خود را حافظ و مدافع عزیزی میدانند که استوار در مقابل دژخیمان سرمایه داری در ایران ایستادند و برای انقلاب، سوسیالیسم و کمونیسم جانفشانی کردند.

باید محکم در مقابل چنین کانونها، انجمنها و تشکلات سازشکار، مماشات گرو سو استفاده گر ایستاد، این جریانات با سو استفاده از نامه‌های نیک و جنبشهای اجتماعی جز ایجاد تفرقه و پراکندگی کار دیگری در دستور ندارند و ضربه های هولناکی به مبارزات سالم و شفاف میزنند و باعث انفراد و جلوگیری از تشکل یابی هر چه بیشتر مبارزین در خارج کشور میکنند. باید متحدن بساط این دکانها را بست و تشکلهای واقعی، اجتماعی و مستقل را علیه نظام سرمایه داری در ایران ایجاد نمود.

آلترناتیو واقعی، کارگران و زحمتکشان و نیروهای اجتماعی و مترقی در ایران است که با ایجاد شوراهای و تشکلهای مستقل خود در محله های کار و زیست بساط این نظام گندیده سرمایه داری اسلامی را همچنانکه رژیم سلطنتی و خواندانش را به زبال دان تاریخ سپردند، در خارج کشور لازم است که صفهایی را ایجاد نمود که به مبارزات کارگران و مردم مبارز در ایران ربط داشته و از اعتراضات و مبارزات و اعتصابات آنها دفاع کند و علیه کلیت نظام سرمایه داری در ایران باشد و از هر فرصتی برای افشاگری و تنگ کردن عرصه به آنها در خارج ایران به شکل وسیع و سازمانیافته بکوشد. توهمی به قدرتهای امپریالیستی و وابستگان آنها نداشته باشد و ظرفهایی را سازمان داد که هر فردی با هر توان، علاقه و امکان برای مبارزه با این رژیم و برای ایجاد یک جامعه انسانی، آزاد و مرفه گام بردارد.

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

Rådet mot den Iranska Islamiska regimens massmord (Khavarans rop)

